



«فرهنگ دیپلماسی در مکتب سردار سلیمانی»

در میزگرد «ایران» با حضور

غلامرضا جمشیدیها و مجید سلیمانی ساسانی

# امت همدل

استراتژی موفق شهید سلیمانی

جمع بین «منافع ملی»

و «منافع امت اسلامی» بود

موسا رضانی  
خبرنگار

مقام معظم رهبری در ۲۷ دی ۱۳۹۸ و در خطبه‌های نماز جمعه تهران فرمودند: «ما به حاج قاسم سلیمانی، شهید عزیز، به چشم یک فرد نگاه نکنیم؛ به چشم یک مکتب نگاه کنیم. سردار شهید عزیز ما را به چشم یک مکتب، یک راه، یک مدرسه درس آموز، با این چشم نگاه کنیم.» اما مکتب شهید سلیمانی چه مختصاتی دارد و از مدرسه او چه می‌توان آموخت؟ «ارزش مداری»، «مردم‌مداری»، «ایستادگی در برابر ظلم»، «تطابق قول و عمل» از جمله ویژگی‌های برجسته راه و اندیشه اوست و در کنار همه اینها «فرهنگ دیپلماسی» و «الگوی مدیریتی» سردار سلیمانی یک شاه‌بیت اصلی دارد و آن «جمع بین منافع ملی و منافع امت اسلامی» است. از این رو «فرهنگ دیپلماسی در مکتب شهید سلیمانی» موضوع میزگرد ما با دکتر غلامرضا جمشیدیها، جامعه‌شناس و رئیس دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و دکتر مجید سلیمانی ساسانی، استاد ارتباطات و معاون فرهنگی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران شد که جریان بحث «راز محبوبیت حاج قاسم» و «رابطه سردار سلیمانی با نسل جوان» هم مورد تبیین قرار گرفت.

● **پدیده‌ای به نام «سردار قاسم سلیمانی» چگونه شکل گرفت؟ در واقع می‌خواهیم در آغاز بحث از شما درباره زمینه‌های شکل‌گیری سرمایه‌های انسانی انقلاب اسلامی بشنویم؟**

**دکتر غلامرضا جمشیدیها:** سال ۵۴ که دانشجوی بودم در مباحث جامعه‌شناسی اغلب تفسیرهای مثبتی از مذهب ارائه نمی‌شد و جامعه‌شناسان هم نقش‌چندانی برای آن قائل نبودند و هیچ‌گاه فکر نمی‌کردند که «مذهب» بتواند بنیانگذار تحولات عمیقی به نام «انقلاب» شود. آن زمان، تنها عاملی که در معادلات اثرگذار دیده می‌شد عنصر اقتصادی بود و اساساً این نگرش که مذهب می‌تواند انسان‌های شاخصی را تربیت کند، موضوعیت نداشت، اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی، همه این معادلات و اساساً نگاه به مذهب و تلقی از آن تغییر کرد. مبالغه نیست اگر

● **«راز محبوبیت حاج قاسم» چیست؟ سردار سلیمانی چطور قهرمان جوانان و محبوب مردم شد؟**

**جمشیدیها:** معمولاً اینگونه است که به دنبال وجود یک اشتراک ذهنی بین آدم‌ها محبت بین افراد شکل می‌گیرد. شهید سلیمانی از یک خانواده ویستر مذهبی و از یک طبقه اجتماعی متوسط و حتی پایین بود. به این اعتبار، از ذهنیات قاطبه مردم درک کاملی داشت و می‌توانست با آنان بخوبی ارتباط برقرار کند و چون خود از مردم برخاسته بود، زبان و نحوه تعامل با مردم را می‌دانست. علاوه بر اینکه معمولاً وقتی افراد به قدرت می‌رسند، تغییر می‌کنند؛ سطح زندگی شان و حتی مکان و محل زندگی شان را تغییر می‌دهند و به سمت زندگی‌های تجملی می‌روند و همین امر باعث فاصله‌شان با قاطبه مردم می‌شود، ولی شهید سلیمانی اینگونه نبود؛ سردار بود اما همچون یک کارمند معمولی زندگی می‌کرد و به پایگاهی که در آن پرورش یافته بود، متعهد بود. همین تعهد به ریشه‌ها را می‌توان یکی از دلایل محبوبیت او برشمرد، البته محبوبیت ایشان تنها به گروه‌های مذهبی منحصر نمی‌شد و علت این امر آن است که ایشان در رفتار خود همه را به یک شیوه می‌نگریست و کسی و بخشی از جامعه را «دیگری» نمی‌پنداشت. این نیز دلیل مهم دیگری بر راز محبوبیت او است.

**دکتر مجید سلیمانی ساسانی:** دکتر جمشیدیها یکی از دلایل و زمینه‌های محبوبیت سردار شهید سلیمانی را اشتراکات مذهبی وی با مردم دانستند و من می‌خواهم انطباق ویژگی‌های سردار

سلیمانی با اساطیر ایرانی را به بحث ایشان اضافه کنم. واقعیت این است که مردم در زندگی خود به دنبال شخصیت قاصه‌هایشان می‌گردند، شخصیت حاج قاسم نشانه‌های بسیار زیادی از اساطیر ایرانی دارد. او شخصیتی «صادق»، «دلیر»، «مرد میدان» و «اهل عمل» بود. این خصیصه‌ها برای عامه مردم ایران تصویری از اسطوره‌ها و قهرمانان را تداعی می‌کند. همه ما انسان‌ها دنبال معنا بخشیدن به کنش‌هایمان هستیم و دنبال شخصیت‌هایی می‌گردیم که بتوانند به این کنش‌ها معنا دهند. حاج قاسم بین مردم ایران محبوب شده چون می‌توانسته به قصه‌های ما معنا بدهد. اگر همه وجوه الهیاتی، جامعه‌شناختی و ارتباطی شخصیت شهید سلیمانی را بررسی کنیم باز دچار تقلیل‌گرایی شده‌ایم. طبق نظرسنجی‌های متعددی که در زمان حیات شهید سلیمانی صورت گرفت ایشان بیشتر از ۸۰ درصد بین مردم محبوبیت داشته‌اند، اما این میزان از محبوبیت چگونه ممکن است، آن هم در جهانی که افراد به واسطه ارتباطات، مرتباً دچار تحول و تکثر می‌شوند؟ در مقام پاسخ می‌توان گفت: گویی همه افراد، جهان را به صورت «قصه» فهم می‌کنند. در این فضا، سردار سلیمانی توانسته بود به نوعی وارد قصه‌های مردم شود. او یک شخصیت دست‌ساز رسانه‌ای نبود، حتی تا ده سال پیش، ایشان شخصیتی به شدت رسانه‌گریز هم بودند. بعضاً اسم ایشان به‌عنوان «فرمانده نیروی قدس سپاه» عنوان می‌شد که رشادت‌هایی در خارج از مرزهای ایران و در جریان جنگ تحمیلی داشته است. اما اینگونه نبود که رسانه‌ها این شخصیت را ساخته و

برجسته کرده باشند. اتفاقاً نقطه شروع رسانه‌ای شدن سردار سلیمانی به واسطه اخباری بود که رسانه‌های بیگانه از ایشان، آن هم به شکلی مذموم و ناپسندیده ارائه می‌کردند، حتی در دوره‌ای عکس ایشان روی نشریات بین‌المللی هم رفت.

نکته اساسی این است که حضور سردار سلیمانی در «میدان» بسیار واقعی بود، آن هم در شرایطی که مردم نسبت به برخی مسئولان‌شان انتقادات داشتند و می‌گفتند برخی مسئولان به قدر کافی به آنان نزدیک نیستند و شرایطشان را درک نمی‌کنند و مدیریت‌های از راه دور دارند، اما حاج قاسم از این نقدها میرا بود، چرا که مردم صداقت و واقعیت رفتاری ایشان را بواقع در میدان عمل می‌دیدند و درک می‌کردند که چه کسی حاضر است از جان خود برای ملت بگذرد و این همان چیزی است که برای مردم ارزشمند است.

● **سردار سلیمانی چطور رابطه جوانان با انقلاب را حفظ کرد و تعمق بخشید؟ جمشیدیها:** مسائل مربوط به شکاف نسلی در هر جامعه‌ای وجود دارد چون جوانان ویژگی‌های فرهنگی خاصی دارند. اما حاج قاسم همواره می‌کوشید تا این شکاف را به نوعی کنار بزند. در میدان رزم هم همین استراتژی را داشت و سعی می‌کرد در بطن ماجرا همراه با نیروهایش که اغلب جوان بودند، قرار گیرد.

در واقع، عرصه اجتماع و فرهنگ «میدان» دیگری برای حاج قاسم بود و او در ارتباط فرهنگی و اجتماعی خود نیز می‌کوشید تعامل با همه افراد با هر سبک زندگی، با هر مشی فرهنگی و از هر نسلی را در دستور کار قرار دهد و

خود را از مردم جدا نکند. به دلیل همین تعاملش بود که به نیازها، مطالبات و خواسته‌های نسل جوان آگاهی داشت و می‌توانست به زبان خودشان در مورد نیازهایشان حرف بزند و اتفاقاً از رهگذر این استراتژی و راهبرد فرهنگی و ارتباطی توانست ضمن حفظ ارتباط خود با بدنه جامعه و خصوصاً جوانان به‌عنوان پلی بین «مردم» و «ارزش‌های انقلابی» و «اندیشه مقاومت» عمل کند.

**سلیمانی:** همان‌طور که دکتر جمشیدیها عنوان کردند، سردار شهید سلیمانی درک درستی از تفاوت‌های نسلی داشت. در واقع هر نسلی جهان را به گونه‌ای فهم می‌کند و این نوع فهم به جهان ارتباطاتش برمی‌گردد و در این فضا، تغییر و تحولات رسانه‌ها بسیار مؤثر است تا آنجا که می‌توان حتی شکل‌گیری شخصیت انسان‌ها را به جهان ارتباطاتی‌شان ربط داد. این درک تفاوت‌های بین‌نسلی بسیار می‌تواند برای ارتباط گرفتن با نسل جوان و تأثیر گذاشتن بر آنان به‌ما کمک کند.

ادبیات شهید سلیمانی ادبیاتی «صادقانه»، «شفاف» و «روشنگر» بود و بکارگیری این ادبیات باعث شده بود هم با نیروهای خودش و هم با بدنه جامعه تعاملی صمیمی و صادقانه داشته باشد. بکارگیری چنین ادبیاتی همراه با رابطه بی‌واسطه با جوانان باعث شده بود مش‌فکری و منش‌عملی او در میان نسل جدید بسیار اثرگذار باشد و اینچنین ایشان توانست تفکر انقلابی را در نسل جوان تعمق بخشد. اگر گفتارهای حاج قاسم را در زمان جنگ تحمیلی با حرف‌هایی که در دهه نود می‌زند، مقایسه کنیم، درمی‌یابیم که یک انسان کاربلد جنگ،